

راهکارهای تعقیب کیفری جنایات اسرائیل در غزه

سلیمان عمرانی^۱

چکیده: از دیرباز مجازات مرتکبان جنایات بزرگ علیه انسانیت، یکی از دغدغه‌های عدالت‌خواهان بوده و هست و در راستای همین دغدغه بود که دادگاه‌های کیفری بین‌المللی در نورنبرگ، توکیو، یوگسلاوی، رواندا و در نهایت دیوان کیفری بین‌المللی دائمی شکل گرفت. هدف اصلی از این سیاست، نفی «بی‌کیفر مانی» جنایتکاران و در نتیجه پیشگیری از وقوع مجدد آن در سطح گسترده بین‌المللی بود، اما آنچه در عمل در سرزمین‌های اشغالی فلسطین - به‌ویژه در غزه - روی داد، نشان داد که همچنان خلأهای جدی در این زمینه وجود دارد؛ چرا که رهایی مرتکبان جنایات غزه از رسیدگی در یک مرجع ذی‌صلاح بی‌طرف و منصف، راه را برای ارتکاب مجدد جنایات مشابه از سوی رژیم صهیونیستی هموارتر خواهد ساخت. در این میان، یافتن راه‌حل حقوقی برای تعقیب متهمان جنایت، با موانعی همچون عدم الحاق رژیم صهیونیستی به اساسنامه رُم، حق وتوی ایالات متحده در شورای امنیت و محدودیت صلاحیت سرزمینی روبه‌رو است. معهذًا، با وجود برخی ظرفیت‌ها در حقوق جزای بین‌الملل و نیز حقوق داخلی کشورها، همچنان امکان تعقیب کیفری از طریق دادگاه‌های داخلی سایر کشورها و اعمال صلاحیت جهانی از سوی آن‌ها وجود دارد.

واژگان کلیدی: بی‌کیفرمانی، جنایات بزرگ بین‌المللی، جنگ غزه، دیوان کیفری بین‌المللی.

رژیم اسرائیل همزمان با پایان آتش بس شش ماهه با دولت فلسطینی حماس، در ۲۷ دسامبر ۲۰۰۸ میلادی به بهانه دفاع از خود، تهاجم گسترده‌ای را علیه ساکنان باریکه غزه آغاز کرد و طی ۲۲ روز از هوا و زمین و دریا هزاران ساختمان و تأسیسات غیرنظامی را ویران ساخت. براساس آمارهای غیررسمی، در این تهاجم سه هفته‌ای،

۱. آقای سلیمان عمرانی، دانشجوی دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

بیش از هزار و سیصد نفر کشته شدند که ۴۱۰ نفر از آنان را کودکان تشکیل می‌دادند (Reuters, 18 Jan 2009).

علاوه بر این، آمارها درخصوص مجروحان این حمله، چندان قابل اعتنا نیست، زیرا باتوجه به استفاده گسترده ارتش رژیم اسرائیل از سلاح‌های ممنوعه فسفری، اورانیوم ضعیف شده و بمب‌های تنگستنی پرتوزا، نمی‌توان دورنمای واقعی از آنچه در باریکه غزه رخ داده است، ارائه داد (Hallinan, 2009).

با وجود این خلل، استناد صرف به گزارش‌هایی که از سوی نهادهای رسمی و غیر رسمی بین‌المللی تهیه شده، کافی است تا جنایات صورت گرفته از سوی سران سیاسی و نظامی رژیم اسرائیل را تایید نماید. از این‌رو، در این نوشتار با استناد به منابع معتبر، اولاً ارتکاب جنایات بزرگ بین‌المللی علیه ساکنان باریکه غزه و ثانیاً راه‌های ممکن برای تعقیب و محاکمه مرتکبان آن مورد کنکاش قرار گرفته است. مقاله حاضر، مطالعه‌ای موردی درخصوص ابعاد حقوقی حادثه غزه درباره زمانی دسامبر ۲۰۰۸ تا ژانویه ۲۰۰۹ میلادی است؛ رویکردی که کمتر مورد توجه تحلیل‌گران قرار گرفته و صرفاً بر ابعاد سیاسی و انسانی آن تأکید شده است.

الف) تهاجم به غزه و جرایم واقع شده علیه ساکنان آن

پیش از آنکه مراجع صلاحیت‌دار و راهکارهای رویارویی با جرایم صورت گرفته علیه ساکنان باریکه غزه مورد بحث و بررسی قرار گیرد، لازم است توصیف حقوقی از جرایم ارتکاب یافته از سوی سران رژیم اسرائیل و فرماندهان نظامی آن ارائه گردد و «رکن مادی» جرایم صورت گرفته مشخص شود.

۱. نسل‌کشی

در میان جنایات مورد توجه دادگاه‌های بین‌المللی، نسل‌کشی بزرگ‌ترین جنایت به حساب می‌آید، تا آنجا که براساس رأی دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ)، مفاد کنوانسیون منع و مجازات جرم نسل‌کشی^۱ به عنوان قواعد عرفی شناخته شده و امکان حق شرط برخلاف آن غیرممکن دانسته شده است (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۳، ۹۰).

1. Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide, 1948.

همچنین در پاراگراف رای صادره از دادگاه بین‌المللی کیفری رواندا (ICTR) در قضیه جان کامباند^۱ این جرم به عنوان شدیدترین و شنیع‌ترین جرم شناسایی شده است (ICTR, 1997). از همین رو، در اساسنامه دادگاه‌های بین‌المللی کیفری برای اثبات این جرم، شرایط بسیار پیچیده‌ای - خصوصاً برای تحقق رکن روانی جرم، که سوءنیت خاص در نبودکردن همه یا بخشی از یک گروه است - در نظر گرفته شده است. هر چند اثبات تحقق سوءنیت در جنایت نسل‌کشی در باریکه غزه با مشکل روبه‌رو است، امکان اثبات رکن مادی این جرم، چندان دشوار نیست. براساس بندهای a و b ماده ۶ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (اساسنامه رم) و با اقتباس از ماده ۲ کنوانسیون منع نسل‌کشی، «کشتن اعضای یک گروه ملی، قومی، نژادی و مذهبی» و «تحمیل عمدی شرایط زیستی نامناسب بر گروه‌های مزبور که منتهی به زوال جزئی و کلی آن شود» از جمله مصادیق نسل‌کشی دانسته شده است.

با این وصف، ارتکاب جرم قتل علیه گروهی با عنوان «ساکنان غزه» که نمونه‌ای از گروه بزرگ‌تر «فلسطینیان» محسوب می‌شوند و نیز محاصره همه‌جانبه آن‌ها و ممانعت از ارسال نیازهای ابتدایی برای بقای حیات آنان، نمونه بارز ارتکاب جرم نسل‌کشی است.

درخصوص عنصر رکن روانی جرم نسل‌کشی نیز، باتوجه به رویه دادگاه‌های بین‌المللی (همچون دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی در قضیه کریستیک^۲)، کافی است ثابت شود که نیروهای اسرائیلی در جریان حمله به غزه، با علم به این که مقتولان عضوی از گروه بزرگ‌ترین به نام «ساکنان غزه» یا «فلسطینیان» هستند، اقدام به قتل آنان کرده، بی‌آنکه توجهی به تعلق آنان به یک گروه نظامی یا سیاسی داشته باشند (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۳، ۱۰۱).

اثبات این مسأله باتوجه برخی موضع‌گیری‌های رسمی سران سیاسی رژیم اسرائیل، امری ممکن است. به عنوان مثال ژنرال ایتان بن الياهو^۳ فرمانده پیشین نیروی هوایی اسرائیل در یک برنامه تلویزیونی اظهار داشت که «احتمالاً ما در آینده مجبور خواهیم شد شمار فلسطینیانی را که در منطقه زندگی می‌کنند کاهش دهیم»

1. John Kambanda
2. Kristic
3. Eitan Ben Elyahu

(Lerner, 2009). لیبرمن نیز که ریاست یک حزب سیاسی را بر عهده دارد ابراز داشت «باید اقلیت فلسطینی را از اسرائیل اخراج کنیم» (Lerner, 2009).

علاوه بر این‌ها، ایلان پایه^۱، مورخ و استاد تاریخ دانشگاه انگلیسی اکستر نیز معتقد است تمام شخصیت‌های صهیونیسم جهانی پیوسته برای حذف اعراب اعم از فلسطینی و غیر فلسطینی در سرزمین‌های اشغال شده توسط رژیم صهیونیستی تلاش کرده‌اند. ایلان پایه در کتاب خود تحت عنوان «پاکسازی نژادی فلسطین» نوشته است: یوسف ویتز،^۲ از شخصیت‌های صهیونیسم در سال ۱۹۴۰ میلادی تأکید کرد: «حق انکارناپذیر ماست که عرب‌ها را از سرزمین خود اخراج کنیم... باید خود را از شر عرب‌ها خلاص کنیم، باید آن‌ها را اخراج کنیم» (Pappé, 2006).

همچنین در جهت اثبات این جنایات، بررسی مشاهدات ساکنان غزه درخصوص تیرباران اعضای یک خانواده در مقابل منزلشان از سوی سربازان اسرائیلی، و یا اعدام فلسطینیانی که به اسارت در آمده بودند، سند قابل توجهی برای دادگاه ذیصلاح در اثبات جرم نسل‌کشی در غزه است (المركز الفلسطینی للدفاع عن الأُسرى، ۲۰۰۹/۲/۴).

۲. جنایت علیه بشریت^۳

هرچند جنایت علیه بشریت، در درجه پایین‌تری نسبت به نسل‌کشی قرار دارد، اما تا پیش از تشکیل دادگاه‌های رواندا و یوگسلاوی سابق، این جرم هم‌عرض نسل‌کشی تلقی می‌شد و از همان اهمیت برخوردار بود (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۶، ۱۳۰). تحول عمده‌ای که در سال‌های اخیر درخصوص جنایت علیه بشریت روی داده، قطع رابطه آن با جنگ و تمایز یافتن آن با جنایات جنگی است. بر این اساس، برای تحقق جنایت علیه بشریت، نیازی به وضعیت جنگی نیست و در زمان صلح نیز امکان تحقق آن وجود دارد (کریانگساک، ۱۳۸۳، ۱۷۵). نکته اساسی در تحقق رکن مادی این جرم آن است که اعمال متهمان باید در چارچوب یک تهاجم فراگیر^۴ یا سازمان‌یافته^۵ علیه یک جمعیت

1. Ilan Pappé
2. Yosset Weitz
3. Crime against Humanity
4. Widespread
5. Systematic

غیرنظامی و در راستای اجرای سیاست دولت یا سازمان انجام گیرد (بند ۱ و بند ۲a ماده ۷ اساسنامه رم). به عبارت دیگر کافی است که سیاستی از سوی دولت متبوع مرتکبان از قبل تدوین شده باشد و فرد مرتکب با علم به این سیاست دست به جنایت زده باشد. براساس ماده ۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (رم)، ارتکاب قتل، نابودسازی،^۱ اذیت و آزار براساس انگیزه‌های ملی، قومی، نژادی و مذهبی، ناپدیدکردن اجباری اشخاص و اعمال غیر انسانی مشابه، چنانچه در راستای یک سیاست فراگیر و یا سازمان یافته یک دولت یا سازمان انجام گیرد، جنایت علیه بشریت محسوب می‌گردد. برای اثبات رکن روانی این جرم نیز کافی است که متهم علاوه بر سوءنیت لازم برای رفتارهای فوق‌الذکر، نسبت به سیاست متخذه از سوی دولت یا سازمان مطلع بوده و بدان مبادرت کرده باشد.

با این مقدمه، جنایات صورت گرفته از سوی فرماندهان، سربازان و سران سیاسی و نظامی رژیم اسرائیل که به صورت کاملاً سازمان یافته و فراگیر علیه جمعیت غیرنظامی ساکن در غزه صورت پذیرفته، دارای انطباق کامل با جنایت علیه بشر است و اثبات تحقق آن دارای دشواری کمتری نسبت به جرم نسل‌کشی است.

۳. جنایات جنگی^۲

فصل ممیزه این جنایات با جنایت علیه بشریت، در اختصاص آن‌ها به وضعیت جنگی است (ماده ۸ اساسنامه رم). فقدان شرایط خاص جرایم نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت برای تحقق جنایات جنگی، اثبات این جرم را در دادگاه‌های بین‌المللی آسان‌تر کرده، ضمن اینکه به‌رغم نظر دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا (ICTR)، شرط نظامی بودن مرتکبان مورد تردید قرار گرفته و تمام افراد قادر به ارتکاب آن در زمان جنگ خواهند بود (کریانگساک، ۱۳۸۳، ۲۵۸).

نکته حائز اهمیت در جنایات جنگی، «فلسفه جرم‌انگاری» آن است و آن جلوگیری از نقض کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ میلادی ژنو است.

1. Extermination
2. War Crimes

کنوانسیون اول راجع به بهبود شرایط مجروحان و بیماران نیروهای مسلح در میدان نبرد؛

کنوانسیون دوم راجع به بهبود شرایط مجروحان، بیماران و کشتی شکستگان نیروهای مسلح در دریا؛

کنوانسیون سوم راجع به رفتار با اسرای جنگی؛

کنوانسیون چهارم راجع به حمایت از غیرنظامیان در زمان جنگ.

در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، علاوه بر نقض فاحش مفاد کنوانسیون‌های مزبور، نقض فاحش سایر مقررات و عرف‌های ناظر بر منازعات مسلحانه نیز مورد توجه واقع شده و به عنوان جنایت جنگی شناخته شده‌اند (بند ۲b ماده ۸). ارتکاب قتل عمد در مناطق اشغالی، ویران ساختن گسترده تأسیسات غیرنظامی (بند ۲a ماده ۸)، هجوم عمدی علیه ساکنان غیرنظامی، هجوم عمدی به تأسیسات غیرنظامی، هجوم عمدی منجر به آسیب دیدن نیروهای سازمان ملل و نیروهای حافظ صلح، هجوم عمدی علیه تأسیسات نظامی که تلفات گسترده غیرنظامیان را در پی داشته باشد، حمله به ساختمان‌های دارای اهداف مذهبی، آموزشی و پزشکی، مانع تراشی در ارسال کمک‌های انسان‌دوستانه و مواد دارویی و غذایی، (بند ۲b ماده ۸)... از مواردی هستند که علاوه بر کنوانسیون‌های ژنو، در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته‌اند.

۴. استفاده از سلاح‌های ممنوعه

از جرایم دیگری که از سوی رژیم اسرائیل در هجوم به باریکه غزه ارتکاب یافت، استفاده از سلاح‌های محتوی فسفر سفید است. براساس گزارش پیترو هیربای، رئیس کمیته ویژه اسلحه صلیب سرخ جهانی، بمب‌های محتوی فسفر سفید در لحظه انفجار دمایی نزدیک به ۸۰۰ درجه سانتیگراد در دایره‌ای گسترده (صدها متر مربع) تولید می‌کند و آتش تا زمانی که فسفر به‌طور کلی سوخته و یا اکسیژن محیط را به اتمام رساند، همچنان شعله ور باقی خواهد ماند (Peter Herby, 17 Jan 2009).

وی ضمن تأیید استفاده از این سلاح از سوی اسرائیل در هجوم علیه باریکه غزه، تأکید کرده است، از نظر ضوابط بین‌المللی استفاده از بمب‌های آتش‌زا هر چند که دارای منع مطلق نیست، لکن استفاده از آن‌ها علیه اهداف نظامی که در میان مناطق

مسکونی و غیرنظامی قرار گرفته است نقض صریح ماده ۲ پروتکل سوم ممنوعیت یا محدودیت استفاده از سلاح‌های آتش‌زا (۱۹۸۰ میلادی) است. براساس بند ۲ و ۳ ماده ۲ این پروتکل، در هیچ شرایطی استفاده از بمب‌های آتش‌زا علیه نظامیانی که در درون جمعیت غیرنظامی قرار گرفته‌اند، مجاز نیست، ضمن اینکه در استفاده از آن علیه اهداف نظامی نیز باید نهایت دقت در کاهش تلفات مبدول گردد (دبیرخانه کمیته ملی حقوق بشر دوستانه، ۱۳۸۳).

این مسأله، جدای از گزارش‌های غیررسمی مبنی بر استفاده رژیم اسرائیل از سلاح‌های دارای اورانیوم ضعیف شده است که در صورت اثبات آن از سوی کمیته‌های حقیقت‌یاب بین‌المللی، باب جدیدی را درخصوص ارتکاب جنایت توسط این رژیم می‌گشاید.

۵. نقض مقررات بشردوستانه کنوانسیون ژنو

سیاری از مفاد کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو (۱۹۴۹ میلادی) صبغه عرفی به خود گرفته و رعایت آن از سوی تمام دولت‌ها- حتی در صورت عدم الحاق- الزامی تلقی شده است.

براساس گزارش رسمی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ (ICRC) که در سال ۲۰۰۵ میلادی منتشر شد، فهرستی از قواعد عرفی کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو به درخواست بیست‌وششمین کنفرانس بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر تنظیم گردید. از کمیته بین‌المللی صلیب سرخ دعوت می‌شود که با همکاری کارشناسان حقوق بین‌المللی بشردوستانه که نمایندگان مناطق جغرافیایی گوناگون و نظام‌های حقوقی مختلف باشند و با مشورت با کارشناسان دولتی و سازمان‌های بین‌المللی، گزارشی در مورد قواعد عرفی حقوق بین‌الملل بشردوستانه قابل اعمال بر درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی تهیه و این گزارش را میان دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی صالح توزیع کند. در دسامبر ۱۹۹۵، بیست و ششمین کنفرانس بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر این توصیه‌نامه را پذیرفت و رسماً کمیته بین‌المللی صلیب سرخ را مسئول تهیه گزارشی در مورد قواعد عرفی حقوق بین‌المللی قابل اعمال بر درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی دانست. تقریباً دو سال بعد در سال ۲۰۰۵، پس از انجام تحقیق جامع و مشاوره گسترده با متخصصان، این گزارش که هم‌اکنون پژوهش

حقوق بین‌المللی بشردوستانه عرفی نامیده می‌شود، منتشر شد. (Henckaerts, 2005). در این فهرست، ۱۶۱ قاعده حقوق بشردوستانه با دقت فراوانی از سوی متخصصان حقوق بین‌الملل تهیه شد و طی آن اعلام گردید که این قواعد طی گذشت زمان به شکل عرفی در آمده و هیچ دولتی نمی‌تواند به استناد عدم الحاق به کنوانسیون مربوطه، از قید الزامات آن رهایی یابد (Henckaerts, 2005).

براساس قاعده نخست این مجموعه، «طرف‌های درگیری باید در هر زمانی میان غیرنظامیان و رزمندگان تفکیک قائل شوند. حمله صرفاً می‌تواند علیه رزمندگان باشد. حمله نباید علیه غیرنظامیان صورت گیرد». قاعده هفتم قواعد عرفی بشردوستانه نیز تأکید می‌کند، «طرف‌های درگیر باید در هر زمانی میان اموال غیرنظامی و اهداف نظامی تفکیک قائل شوند. حمله صرفاً می‌تواند علیه اهداف نظامی صورت گیرد. حمله نباید علیه اموال غیرنظامی باشد» (Henckaerts, 2005).

همچنین قاعده ۱۲ این مجموعه با تبیین حمله تفکیک نشده، مقرر می‌دارد «حمله بدون تفکیک حمله‌ای است که به سمت هدف نظامی خاصی هدف‌گیری نشده باشد؛ یا با استفاده از روش‌ها یا ابزارهای جنگی باشد که نمی‌تواند به سمت هدف نظامی خاص هدف‌گیری کند؛ یا با استفاده از روش‌ها یا ابزارهای جنگی باشد که تأثیرات آن را به نحوی که حقوق بین‌المللی بشردوستانه مقرر می‌دارد، نمی‌توان محدود کرد».

علاوه بر موارد فوق که نشانگر تخلفات بارز رژیم اسرائیل از قواعد عرفی حقوق بشردوستانه بین‌المللی است، برخی قواعد عرفی نیز بیانگر نقض حقوق بشردوستانه از سوی دولت مصر، به عنوان تنها همسایه باریکه غزه است. براساس قاعده ۱۳۱ مجموعه قواعد عرفی، کشورها باید همه تدابیر ممکن را به‌منظور آن که غیرنظامیان آواره از سرپناه، بهداشت، سلامت، ایمنی و تغذیه مناسب برخوردار باشند- بی آن که میان اعضای یک خانواده جدایی صورت گیرد- به‌عمل آورند. قاعده ۵۵ نیز تأکید کرده است، طرف‌های درگیری باید عبور سریع و بدون مانع کمک‌های بشردوستانه برای جمعیت غیرنظامی نیازمند را که با ماهیتی بی‌غرض و بدون هیچ تبعیضی صورت می‌گیرد، با حفظ حق کنترل خود، اجازه داده و آن را تسهیل نمایند (Henckaerts, 2005).

طبق این ضوابط، دولت مصر- همچون رژیم اسرائیل- با مسدود کردن گذرگاه‌ها و ایجاد مانع در برابر انتقال کمک‌های پزشکی، دارویی و غذایی به غیرنظامیان

ساکن غزه، مرتکب نقض حقوق بشردوستانه گردیده و طبق ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی مرتکب جنایات جنگی گردیده است.

ب) راهکارهای ممکن برای تعقیب و محاکمه

حال که وقوع ارتکاب بزرگ‌ترین جرایمی که تاکنون در قاموس حقوقی جهان به رسمیت شناخته شده است - با تسامح - احراز گردید، ضروری است تا امکان دادرسی این جرایم در دادگاه‌ها و محاکم ذی‌صلاح مورد بررسی قرار گرفته، راهکارهای ممکن برای ممانعت از «بی‌کیفر مانی»^۱ مرتکبان در پیش روی تصمیم‌گیران قرار گیرد.

۱. دیوان کیفری بین‌المللی (ICC)

مهم‌ترین نهادی که در حوزه تخصصی تعقیب، محاکمه و مجازات مرتکبان جنایات بزرگ بین‌المللی پیش‌بینی شده است، دیوان کیفری بین‌المللی است که از سال ۲۰۰۲ رسماً فعالیت خود را آغاز کرده است (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۳، ۲۲۷). این دیوان - که در پی تحولات صورت گرفته پس از تشکیل دادگاه‌های کیفری نورنبرگ، توکیو، یوگسلاوی سابق و رواندا به شکل امروزی آن به وجود آمده است - به‌طور تخصصی به رسیدگی جرایم نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی و تجاوز ارضی^۲ می‌پردازد. جرایم مزبور و نحوه تحقق و اثبات آن‌ها در اساسنامه دیوان، مشهور به اساسنامه رم، تعریف شده است.

نکته اساسی درخصوص امکان رسیدگی به جنایات سران رژیم اسرائیل در باریکه غزه، صلاحیت دیوان در رسیدگی به جرایم مزبور است، زیرا براساس بند ۱ ماده ۱۲ اساسنامه رم، این دیوان تنها در قبال کشورهای عضو آن دارای صلاحیت است. براساس بند ۲a و ۲b ماده ۱۲ اساسنامه مزبور، دیوان قادر به رسیدگی به جنایات صورت گرفته در قلمرو سرزمینی دولت عضو و یا جنایات ارتکاب یافته از سوی اتباع دولت مزبور است. این در حالی است که نه رژیم اسرائیل به عضویت این دیوان در

1. Impunity
2. Aggression

آمده (ICC, 2008)، و نه دولت فلسطین از سوی سازمان ملل متحد به رسمیت شناخته شده که بتواند به عضویت این دیوان در آید (UN Member States, 2006).

اگرچه هنوز دولت مستقل فلسطین مورد شناسایی قرار نگرفته و به عنوان عضوی از سازمان ملل متحد پذیرفته نشده است، اما در هر زمان که این دولت مورد شناسایی کشورهای جهان و سازمان ملل متحد قرار گیرد، می‌تواند به موجب بند ۳ ماده ۱۲ اساسنامه دیوان، با سپردن اعلامیه‌ای نزد مسئول دبیرخانه دیوان، صلاحیت دیوان را نسبت به بررسی جنایات صورت گرفته در خاک این دولت به رسمیت بشناسد.

راه برون‌رفت دیگری نیز برای احراز صلاحیت دیوان در خصوص جنایات صورت گرفته در غزه وجود دارد و آن ارجاع یک وضعیت خاص از سوی شورای امنیت به دیوان کیفری بین‌المللی است. براساس بند ۲ ماده ۱۳ اساسنامه دیوان، شورای امنیت می‌تواند در چارچوب فصل هفتم منشور سازمان ملل و در راستای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بررسی یک وضعیت را به دیوان ارجاع دهد، هر چند که جرم توسط اعضای دول عضو و یا در قلمرو دول عضو ارتکاب نیافته باشد. شورای امنیت براساس قطعنامه ۱۵۹۳ مورخ مارس ۲۰۰۵ میلادی از اختیار مزبور در مورد منطقه دارفور سودان استفاده کرد، (شورای امنیت سازمان ملل، ۳۱ مارس ۲۰۰۵) اما باتوجه به «کم‌کاری» شورای امنیت در حل قضیه فلسطین، در آینده نزدیک نمی‌توان امید چندانی به این شورا داشت؛ امری که حتی دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در رأی مشورتی خود درباره ابعاد حقوقی ساخت دیوارحائل از سوی رژیم‌اسرائیل بدان اذعان کرد (عبدالجواد، ۱۳۸۴).

به‌رغم این‌ها، باتوجه به استدلال دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی مشورتی خود درباره دیوار حائل، مبنی بر اینکه براساس منشور سازمان ملل، مجمع عمومی سازمان ملل اولاً و بالذات مسئول حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است و صلاحیت‌های شورای امنیت به تبع صلاحیت‌های این مجمع است (ICJ, 9 July 2004)، این امکان وجود دارد که مجمع عمومی با تکرار رویه خود، مستقلاً اقدام کرده و وضعیت غزه را به دیوان کیفری بین‌المللی ارجاع دهد. فلذا باتوجه به این که دیوان کیفری بین‌المللی طبق بند ۱b ماده ۲۱ اساسنامه ملزم به اجرای قواعد و اصول حقوق بین‌الملل در کنار مفاد اساسنامه است و باتوجه به اینکه رأی مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری کاشف از این اصول و قواعد بود، و نه پدیدآورنده آن، مانعی برای پذیرش ارجاع مجمع عمومی

به دیوان کیفری بین‌المللی وجود ندارد. این راه‌حل باتوجه به موضع‌گیری‌های قابل قبول اعضای مجمع عمومی در قبال جنایات رژیم اسرائیل می‌تواند به عنوان موثرترین راهکار در پیش روی جامعه جهانی قرار گیرد.

۲. صلاحیت جهانی دادگاه‌های داخلی^۱

راهکار دیگری که در پیش روی جامعه بین‌المللی برای محاکمه سران رژیم اسرائیل وجود دارد، پذیرش صلاحیت جهانی در زمینه رسیدگی به نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی است. اصولاً اعمال صلاحیت جهانی - به معنی صلاحیت دادگاه داخلی در رسیدگی به جرایمی که در هر نقطه از جهان و توسط اتباع هر دولتی ارتکاب می‌یابد - تنها در مورد جرایم مهمی که امنیت جهانی و حقوق انسان‌ها را به طور گسترده ای نقض می‌نماید، مورد پذیرش حقوق بین‌الملل قرار گرفته است (کامینگا، ۱۳۸۲).

در همین راستا، بسیاری از کشورها براساس کنوانسیون‌های مختلف بین‌المللی، همچون کنوانسیون سازمان ملل متحد بر ضد قاچاق مواد مخدر و روانگردان (۱۹۸۸ میلادی)، صلاحیت جهانی رسیدگی به برخی جرایم را مورد پذیرش قرار داده‌اند (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۶).

با وجود این، برخی مسائل مانع از آن شده که کشورها اقدام به پذیرش این صلاحیت درباره جرایم نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی کنند. مصونیت مقامات سیاسی، عدم امکان بررسی ادله، عدم دسترسی مناسب به متهم و نیز ملاحظات سیاسی در روابط دوجانبه و چندجانبه کشورها، از جمله این موانع است، تا جایی که دولت بلژیک پس از پذیرش این صلاحیت و اعمال آن علیه وزیر خارجه کنگو، با رأی منفی دیوان بین‌المللی دادگستری در سال ۲۰۰۲ میلادی روبه‌رو گردید (کامینگا، ۱۳۸۲).

با وجود همه این مشکلات، ضرورت مبارزه جدی با جرایم بزرگ بین‌المللی و مقابله با «بی‌کیفر مانی» مرتکبان، ایجاب می‌کند تا دولت‌ها نسبت به جرم‌انگاری این جرایم و پذیرش صلاحیت جهانی برای رسیدگی به آن‌ها اقدام نمایند. این مسأله موجب

1. Universal Jurisdiction

خواهد شد تا هر یک از دولت‌ها با رسیدگی به جنایات صورت گرفته در باریکه غزه، نسبت به صدور کیفرخواست و قرار بازداشت علیه سران و فرماندهان رژیم اسرائیل اقدام نموده و عرصه جهانی را برای جولان این مجرمان تنگ نمایند، همان‌گونه که برخی کشورهای اروپایی (همچون انگلیس) در بازداشت پینوشه، دیکتاتور سابق شیلی، اقدام نمودند (Williams, 2009).

ناگفته پیداست که سخن از تهیه کیفرخواست علیه سران رژیم اسرائیل در دادگاه‌های ایران، تا زمانی که جنایات مهم بین‌المللی در نظام حقوقی ایران جرم‌انگاری نگردیده و صلاحیت جهانی رسیدگی به آن پیش‌بینی نشده است، راه به جایی نخواهد برد. از این رو ضروری است تا دستگاه قضایی و تقنینی کشور، ضمن جرم‌انگاری دقیق این جنایات، صلاحیت جهانی برای رسیدگی به آن‌ها را در دستور کار قرار دهد. این اقدام نه تنها در راستای اهداف عالی نظام حقوق کیفری بین‌المللی است، که حتی در قواعد عرفی حقوق بشردوستانه بین‌المللی نیز مورد تأکید قرار گرفته است. براساس قاعده ۱۵۶ و ۱۵۷ قواعد عرفی مزبور، نقض‌های شدید حقوق بین‌المللی بشردوستانه، جنایات جنگی هستند و دولت‌ها حق دارند به دادگاه‌های ملی خود در خصوص جنایات جنگی، صلاحیت جهانی اعطا کنند (Henckaerts, 2005).

۳. دادگاه‌های داخلی کشورها

حتی اگر صلاحیت جهانی رسیدگی به جنایات بزرگ بین‌المللی مورد پذیرش دادگاه‌های داخلی بسیاری از کشورها قرار نگرفته باشد، همچنان راه برای تعقیب و محاکمه بسیاری از مرتکبین جنایت علیه مردم ساکن در باریکه غزه هموار است. از آنجا که تا پیش از سال ۱۹۴۸ میلادی، رژیم به نام اسرائیل بر روی کره خاکی وجود نداشت، بخش عمده افراد ساکن در منطقه تحت سیطره این رژیم، دارای تابعیت کشورهای مختلف جهان هستند. به عنوان مثال بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر سابق و رئیس حزب لیکود، دارای اصالت لیتوانی (Biography of Benjamin Netanyahu, 2008)، شیمون پرز، رئیس این رژیم، متولد لهستان (Encyclopedia Britannica, 2007)، ایهود اولمرت، نخست‌وزیر مستعفی، دارای پدر روسی و مادر اوکراینی (BBC, 2009)، تزیپی لیونی، وزیر خارجه رژیم، دارای پدر لهستانی

(Wikipedia, 2009)، موشه کاتساو (موسی قصاب)، رئیس سابق رژیم، متولد یزد و دارای تابعیت ایران (BBC, 2007) و شائول موفاز، وزیر سابق دفاع، متولد تهران و دارای اصالت اصفهانی (Jewish Virtual Library, 2009) است.

با این مقدمه، چنانچه دولتی صلاحیت جهانی برای رسیدگی به جنایات بزرگ بین‌المللی را به رسمیت نشناخته باشد، دادستان کشورهای متبوع این جنایت‌کاران می‌توانند با تهیه کیفرخواست علیه آنان، گامی در جهت تعقیب و محاکمه مجرمان مزبور بردارند.

به علاوه، ساکنان مناطق اشغالی که تابع رژیم اسرائیل هستند (از عرب و مسلمان و یهودی) نیز می‌توانند با تهیه شکوائیه علیه فرماندهان و مقامات سیاسی این رژیم، مرتکبان جنایت علیه ساکنین باریکه غزه را تحت فشار قرار دهند، هر چند امکان رد شکایت از سوی دادستان این رژیم بسیار محتمل است.

۴. دیوان دادگستری بین‌المللی (ICJ)

مجمع عمومی سازمان ملل، علاوه بر آنکه طبق اصول حقوق بین‌الملل صلاحیت ارجاع هجوم به باریکه غزه را داراست، این صلاحیت را دارد تا با اتخاذ رویه سابق خود در قبال دیوار حائل (عبدالجواد، ۱۳۸۴) و با استناد به کم‌کاری شورای امنیت در حل قضیه فلسطین، از دیوان بین‌المللی دادگستری تقاضای صدور رأی مشورتی درخصوص ابعاد حقوقی هجوم به غزه و ادامه محاصره همه‌جانبه آن از سوی رژیم اسرائیل و دولت مصر بنماید.

صدور یک چنین رأیی، حتی با اتخاذ حداقل الزامات بر ضد رژیم اسرائیل، این رژیم را در یک تنگنای سیاسی در برابر تکرار این‌گونه رفتارها قرار خواهد داد. به علاوه، متجاوز خواندن این رژیم موجب خواهد شد تا جبران خسارات مادی بزه‌دیدگان این هجوم، از اولویت برخوردار شود. پذیرش این حق برای بزه‌دیدگان، این امکان را برای آنان فراهم می‌آورد تا با استناد به رأی مزبور در محاکم کشورهای عضو دیوان اروپایی حقوق بشر، اموال متعلق به رژیم اسرائیل را به نفع خود مصادره نمایند.

براساس ماده ۱۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر،^۱ چنانچه حقوق و آزادی‌های مندرج در این معاهده نقض گردد، مقامات رسمی موظف به جبران خسارات وارده هستند. طبق ماده ۴۱ نیز چنانچه خسارات وارد بر بزه‌دیدگان در رای صادره جبران نشود، دیوان می‌بایست در صورت لزوم نسبت به جبران عادلانه آنان اقدام نماید. نکته حائز اهمیت در این کنوانسیون، عبارت از این نکته است که طبق ماده اول آن تمامی انسان‌ها از حقوق ناشی از کنوانسیون اروپایی حقوق بشر برخوردار هستند و می‌توانند برای احقاق آن به دیوان اروپایی حقوق بشر مراجعه نمایند.^۲

۵. تشکیل هیأت‌های حقیقت یاب

یکی از مهم‌ترین و فوری‌ترین اقداماتی که باید در جهت اثبات جنایات صورت گرفته در غزه اتخاذ گردد، تشکیل کمیته‌های بی‌طرف حقیقت‌یاب بین‌المللی است؛ چرا که در صورت تشکیل دادگاهی برای محاکمه مباشران جنایات صورت گرفته در غزه، ضروری است تا اسناد و مستندات موثقی برای محکومیت افراد به دادگاه عرضه گردد. در این میان ضروری است تا نهادهای رسمی همچون کمیته جهانی صلیب سرخ (ICRC)، دبیرکل سازمان ملل و سازمان کنفرانس اسلامی، و نیز نهادهای نیمه رسمی همچون دیدبان حقوق بشر (Human Rights Watch) و عفو بین‌الملل (Amnesty International)، با اعزام گروه‌های تخصصی متعددی به باریکه غزه، ابعاد جنایات جنگی صورت گرفته را مورد ارزیابی دقیق قرار داده و ثبت نمایند. این گروه‌های تخصصی باید با به همراه داشتن تجهیزات و ابزارهای پیشرفته نسبت به کشف آثار مخرب سلاح‌های به کار رفته از سوی رژیم اسرائیل اقدام کنند و با معاینه دقیق بزه‌دیدگان، استفاده یا عدم استفاده این رژیم از اورانیوم ضعیف شده را احراز نمایند.

ج) نتیجه‌گیری

تحلیل حقوقی جنایات واقع شده در غزه، میان چکش افراط و سندان تفریط گرفتار شده است؛ زیرا یکی نسبت به عدم مداخله دیوان کیفری بین‌المللی معترض

1. Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms, Rome, 4, XL. 1950

1. Article 1: "The High Contracting Parties shall Secure to Everyone Within their Jurisdiction the Rights and Freedoms Defined in Section I of this Convention".

است و بدین سبب این نهاد را عنصری زائد و عبث ارزیابی می‌کند؛ و دیگری هرگونه امکان محاکمه جنایتکاران فاجعه غزه را توهمی خواب‌گونه می‌پندارد. به‌رغم این دو نگاه، بررسی ظرفیت‌های موجود (بالفعل) و قابل‌ایجاد (بالقوه) در عرصه حقوق کیفری بین‌المللی - که در این مقاله به تفصیل مورد اشاره قرار گرفت - نشان می‌دهد که در صورت تلاش پیگیر نهادها و کشورهای حامی صلح و عدالت، می‌توان علاوه بر تحت تعقیب و محاکمه قراردادن سران و فرماندهان رژیم اسرائیل، برنامه‌های تجاوزکارانه بعدی این رژیم را با چالش جدی روبه‌رو ساخت؛ هر چند که یک غده سرطانی، ذاتاً سرطانی است و جز با قلع آن از سرزمین مغضوب، عدالت واقعی به اجرا در نخواهد آمد؛ آنچنان که امیر عدالت (درودش باد) فرمود: «سنگ غضبی در میانه عمارت، گرویی برای ویرانی آن است».^۱

۱. امیرالمومنین علی (علیه السلام): الْحَجَرُ الْعَصِيبُ فِي الدَّارِ، رَهْنٌ عَلَى خَرَابِهَا. (وسائل الشیعة، جلد ۲۵، ص ۳۸۶).

منابع

۱. ایرنا (۸۷/۱۱/۶)، اسرائیل ۳۰۰ اسیر جنگی را در جنگ غزه شهید کرد، <http://www2.irna.com/fa/news/view/menu-151/8711062001144304.htm>
۲. دبیرخانه کمیته ملی حقوق بشر دوستانه (۱۳۸۳)، حقوق بین‌الملل ناظر بر نحوه هدایت مختصات، ترجمه مهرداد رضائیان، تهران، نشر سرسم، چاپ اول.
۳. شیخ حر عاملی (۱۴۰۹ ق)، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل‌البیت، جلد ۲۵.
۴. شیرینی عابد، علیرضا (۱۳۸۷)، نسل‌کشی و جرائم علیه بشریت؛ بازخوانی حقوق ایران در پرتو تحولات حقوق بین‌الملل، تهران، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، پژوهشنامه ۲.
۵. صابری، هنگامه (۱۳۷۸)، ضمانت اجرا در حقوق بشر دوستانه، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول.
۶. عبدالجواد، الیزابت (۱۳۸۴)، رای مشورتی دیوار حائل فلسطین: دیوان بین‌المللی دادگستری و حق جبران خسارات بزه‌دیدگان، ترجمه سلمان عمرانی، فصلنامه گواه، شماره ۴ و ۵.
۷. فارس نیوز (۸۷/۱۰/۲۲)، تیرباران غیرنظامیان در نوار غزه توسط نظامیان صهیونیست، <http://www.farsnews.net/newstext.php?nn=8710221445>
۸. کامینگا، منوتی (۱۳۸۲)، اعمال صلاحیت جهانی در رابطه با جرائم سنگین حقوق بشری، ترجمه محمد جواد شریعت باقری، فصلنامه مجله حقوقی، شماره ۲۸.
۹. کریانگساک، کیتی شیایزری (۱۳۸۳)، حقوق بین‌المللی کیفری، ترجمه بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول.
۱۰. مرکز الفلسطینی للدفاع عن الأسرى (۲۰۰۹/۲/۴)، <http://www.pcdd.ps/?scid=100&id=1184&extra=news&type=35>
۱۱. میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۸۳)، دادگاه کیفری بین‌المللی، تهران، نشر میزان، چاپ اول.
۱۲. میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۸۶)، حقوق جزای بین‌الملل، تهران، نشر میزان، چاپ دوم.
13. BBC News (2 Feb 2009), Profile: Ehud Olmert, http://news.bbc.co.uk/2/hi/middle_east/4135680.stm
14. BBC News (23 Jan 2007), Profile: Moshe Katsav, http://news.bbc.co.uk/2/hi/middle_east/6054502.stm
15. Biography of Benjamin Netanyahu (2008), http://www.zionism-israel.com/bio/Benjamin_Nethanyahu.htm
16. Encyclopedia Britannica (2007), Shimon Peres, <http://www.britannica.com/eb/article-9059215/Shimon-Peres>
17. General Assembly (2009), Resolution supporting the immediate ceasefire according to Security Council resolution 1860, United Nations, Treaty Series, vol. 75, No. 973, A/RES/ES-10/18, 23 Jan 2009

18. Hallinan, Conn (11 Feb 2009), *Gaza: Death's Laboratory*, Foreign Policy in Focus (FPF), Washington DC, <http://www.fpf.org/fpiftxt/5862>
19. Henckaerts, J. M. (2005), *Study on customary international humanitarian law*, The International Review of the Red Cross, ICRC, Geneva, Volume 87, Number 857
20. ICC (2008), *The States Parties to the Rome Statute*, <http://www.icc-cpi.int/statesparties.html>
21. Jewish Virtual Library (2009) , *Shaul Mofaz*, <http://www.jewishvirtuallibrary.org/jsource/biography/mofaz.html>
22. KAMBANDA (1997), Jean (ICTR-97-23), <http://69.94.11.53/ENGLISH/cases/Kambanda/index.htm>
23. Lerner, Dov (14 janvier 2009), *Le Nettoyage Ethnique: seule solution pour permettre la survie d'israël*, <http://libertesinternets.wordpress.com/2009/01/14/le-nettoyage-ethnique-seule-solution-pour-permettre-la-survie-disrael/>
24. Pappé, Ilan (2006), *the Ethnic Cleansing of Palestine*, Oxford Pub.
25. *Principles for the protection and promotion of human rights through action to combat impunity*(2005), COMMISSION ON HUMAN RIGHTS, Sixty-first session, E/CN.4/2005/102/Add.1, Last Update, 8 February 2005
26. Reuters News Agency (2009), *Gazans grapple with scale of death and destruction*, Jan 18 2009, <http://www.reuters.com/article/middleeastCrisis/idUSLI248657>,
27. *Rome Statute of the International Criminal Court* (1998), www.icc-cpi.int
28. *Statut de Rome de la Cour Pénale Internationale*(1998), La Section de l'information publique et de la documentation de la CPI, La Haye, Pays Bas
29. The International Court of Justice (ICJ) (9 July 2004), *Advisory Opinion on Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory*, The Hague, <http://www.icj-cij.org>
30. *UN Member States* (2006), Press Release ORG/1469, 28 June 2006, <http://un.org/News/Press/docs/2006/org1469.doc.htm>
31. United Nations Security Council (31 March 2005), *Security Council Refers Situation in Darfur, Sudan, To Prosecutor of International Criminal Court*, <http://www.un.org/News/Press/docs/2005/sc8351.doc.htm>
32. wikipedia (2009), *Tzipi Livni*, http://en.wikipedia.org/wiki/Tzipi_Livni
33. Williams, Frances (15 Jan 2009), *Pressure mounts for Israeli war crimes probe*, Financial Times Newspaper, www.ft.com